

طنطاوی و روش تفسیری او

دکتر محمد جواد پیرمرادی
عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

چکیده

این نوشتار، نظری انتقادی به تفسیر علمی است که مورد پژوهانه به دیدگاه‌های تفسیری طنطاوی جوهری در کتاب تفسیر «الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم» می‌پردازد. با توجه به تعابیر مختلفی که از تفسیر علمی در طول تاریخ این تفسیر در جهان اسلام شده، تفسیر الجواهر مورد مطالعه قرار گرفته است.

پس از بیان مقدمه، که در آن اشاره‌ای گذرا به تعابیر مختلف تفسیر علمی شده است با توضیحی مختصر به معرفی طنطاوی و کتاب تفسیری او که به اختصار تحت نام «الجواهر» از او نام می‌برم، پرداخته‌ام. سپس ضمن بیان روش تفسیری او، نمونه‌هایی از آیات را، که طنطاوی از علم جدید در تفسیر آنها استفاده کرده است به دست داده‌ام. سرانجام به دغدغه‌های طنطاوی در تفسیر علمی پرداخته و دیدگاه‌های او مورد ارزیابی انتقادی واقع شده است. این دغدغه‌ها عبارت است از: رفع عقب ماندگی علمی مسلمین و عدم وابستگی آنها به غرب، کشف جنبه‌هایی از اعجاز قرآن، رفع تعارض از قرآن و علوم جدید.

کلید واژه‌ها: طنطاوی جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، تفسیر علمی، تعارض علم و دین، تفسیر پوزیتیویستی، اعجاز قرآن

مقدمه

این عنوان، دستاویزی برای تبیین یکی از روشهایی است که در تفسیر قرآن کریم از گذشته تا به حال مورد استفاده قرار گرفته که به تفسیر علمی معروف شده است. بعضی از پژوهشگران علوم قرآنی، سابقه این روش را تا دوران صحابه رسول خدا (ص) پیگیری کرده‌اند. پیش فرضی که در گذشته برای تفسیر علمی وجود داشته این بوده که قرآن جامع همه علوم است. از اینرو، تفسیر علمی، سبکی از تفسیر شمرده می‌شده که مفسر در آن سعی می‌کرده است تمام علوم زمان خودش را از قرآن استخراج کند؛^(۱) هرچند تفسیر علمی به معنای تطبیق آیات قرآن بر دیدگاه‌های علمی زمانه نیز کم و بیش رواج داشته است؛ مثلاً ابن سینا در آیه شریفه ۱۱ «يَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيه»، عرش را به فلک الافلاک در هیئت بطلمیوس تفسیر کرده است و ملائکه هشتگانه که عرش را حمل می‌کنند بر سایر افلاک یعنی ماه و خورشید، زهره، عطارد، زحل، مشتری، مریخ و فلک ثوابت تفسیر نموده است.^(۲) اما بیشتر تفسیرها برای استخراج علوم از قرآن بوده است؛ مثلاً امام محمد غزالی در کتاب جواهرالقرآن و جلال الدین سیوطی در الاتقان فی علوم القرآن و همچنین در «الاکلیل فی استنباط التنزیل» پس از اینکه با استناد به بعضی آیات قرآن ثابت می‌کنند که تمام علوم در قرآن وجود دارد، سعی می‌کنند تمام علوم زمان خود را از قرآن استخراج کنند.^(۳)

اما تفسیر علمی متون مقدس از دوران رنسانس به این سو داستان دیگری دارد و بر اساس دغدغه‌ها و اهداف دیگری است. اگر از تفسیرهایی که دانشمندان مغرب زمین از متون مقدس مسیحیان و یهودیان براساس تفسیری علمی، آن‌گونه که امروز فهمیده می‌شود، قطع نظر کنیم، در جهان اسلام نمونه کامل این جریان، طنطاوی (متولد ۱۲۸۷ هـ ق و متوفی ۱۳۵۸) و تفسیر اوست، زیرا طنطاوی تنها کسی است که قرآن را بطور کامل به ترتیب از اول تا آخر به روش علمی تفسیر کرده است.^(۴) بنابراین در این

نوشتار پس از معرفی تفسیر طنطاوی به ذکر دغدغه‌ها و اهداف وی از پرداختن به چنین روشی پرداخته می‌شود.

درباره طنطاوی و کتاب «الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم»

تفسیر الجواهر، گرچه اولین کتابی نیست که درباره تفسیر علمی سخن گفته است، می‌توان قاطعانه ادعا کرد اولین تفسیر کاملی است که با روشهای معمول در علوم تجربی و با نگاهی پوزیتیویستی به سراغ فهم و تفسیر قرآن رفته است.^(۵)

طنطاوی، این کتاب را برای نخستین بار در سال ۱۳۵۰ هـ ق در قاهره در ۲۵ جلد و یک مجلد الحاقی به چاپ رسانید.^(۶) البته این اولین اثر طنطاوی در این موضوع نبود. او قبلاً با روش علمی درباره قرآن با دانشجویان مدرسه دارالعلوم سخن گفته، و در مجله «اللاجیء العباسیه» نیز دیدگاه‌هایش را در معرض افکار عمومی قرار داده بود.^(۷)

با اینکه طنطاوی کتابهای مختلفی همچون «نظام العالم و الامم»، «جواهر العلوم»، «التاج المرصع»، «جمال العالم»، «النظام و الاسلام» و «الامة و حیاتها»، را در این زمینه منتشر کرده بود^(۸)، هنوز بار سفری را که برای تحقق و عملی شدن دغدغه‌هایش «پیشرفت مسلمین» بر بسته بود تا مقصد فاصله‌ای طولانی داشت یا لاقط طنطاوی هنوز رسالت خویش را ناتمام می‌دانست. طنطاوی در صدد تربیت نسلی قرآنی بود که در صنعت، زراعت، پزشکی، معدن و ریاضیات و نجوم و... سرآمد صاحبان این علوم در غرب باشد.^(۹) از این رو در صدد تألیف دایرةالمعارف برآمد که امروزه به نام «الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم» در جهان اسلام شهرت یافته و محرکه آراء شده و اندیشه‌های موافق و مخالف را برانگیخته است.

طنطاوی در این اثر علاوه بر شرح آیاتی که به علوم مختلف تجربی اشاره می‌کند از واقعیات اجتماعی، سیاسی، ادبی، تاریخی نیز غافل نبوده است^(۱۰) و در راستای سودای

سترگی که در سر دارد تنها به بحث از نجوم و طب و فیزیک و شیمی و هینوتیزم و احضار ارواح و تکنیک و صنعت قانع نبوده است، او به نظریاتی از کتابهای مقدس دیگر ادیان، افکار فیلسوفان و حساب جمل و اعتقادات قبل از اسلام و بعد از اسلام و بطور کلی هر چه در دسترس اندیشه و قلم او از داستان و لطیفه و حکایت و خاطره و تصویر و منظره و مانند آن بوده بهره برده است. (۱۱)

طنطاوی می‌خواهد به هر طریق که ممکن است، نشان دهد که آنچه در علوم جدید به اثبات رسیده است از نظریات و دیدگاه‌ها و اختراعات و اکتشافات جدید، همه در چهارده قرن پیش در اسلام، هر چند با اشاره و اجمال طرح شده و یا توسط قرآن کریم به گونه‌ای گوشزد شده است. «سوره‌های قرآن بیانگر اموری است که علم جدید، آنها را به اثبات رسانده است» (۱۲)

برای طنطاوی مایه بسی تأسف است که چرا مسلمین با وجود کتابی چون قرآن کریم نتوانستند به پیشرفتهایی دست یابند که مغرب زمین در زمینه علوم طبیعی داشته است. اینکه مسلمین معنای قرآن را فرو گذاشتند و فقط به ظاهر الفاظ قرآن پرداختند و کتابهای متعددی در فقه تدوین کردند با اینکه در قیاس با آیاتی که در زمینه علوم طبیعت در قرآن آمده آیات مربوط به فقه اندک است، مورد انتقاد جدی طنطاوی است. از این رو می‌پرسد:

«آیا عقلاً و شرعاً جایز است که مسلمین در علمی تبحر حاصل نمایند که آیات مربوط به آن اندک است و از علمی که آیات مربوط به آن بسیار زیاد است، غفلت نمایند. برآستی همانطور که پدران ما در علم فقه زبردست بودند ما باید در طبیعت شناسی استادی به دست آوریم تا امت اسلام پیشرفت نماید.» (۱۳)

تفسیر طنطاوی با واکنشهای متفاوتی در جهان اسلام روبه‌رو شد. بعضی تحت تأثیر آن قرار گرفتند؛ مانند مصطفی صادق الراعی صاحب کتاب «اعجاز القرآن و البلاغه

النبویه» که کلمات قرآن را با حساب ابجد (جمل) تفسیر می‌کرد^(۱۲) و عبدالرزاق نوفل که چندین کتاب در زمینه قرآن و علم جدید نوشته است.^(۱۵) سید هبة‌الدین شهرستانی از علمای نجف^(۱۶) و مهندس مهدی بازرگان از دانشمندانی ایرانی از جمله کسانی بودند که از علوم جدید در تفسیر و فهم آیات استفاده کردند؛ چنانکه بازرگان در کتاب «راه طی شده» تلاش می‌کند با قوانین بقای ماده (قانون لاوازیه) و قانون بقای انرژی (اصل ترمودینامیک) موانع بر سر راه قیامت را برطرف نموده، اصل ابدیت را در مقابل ظواهر متغیر و زایل اثبات نماید.^(۱۷) برخی نیز با طنطاوی شدیداً به مخالفت پرداختند: شیخ محمود شلتوت از بزرگان الازهر بشدت از طنطاوی انتقاد کرد. او طی دو مقاله در شماره‌های ۴۰۷ و ۴۰۸ مجله الرسالة در آوریل ۱۹۴۱ به سبک تفسیری طنطاوی تاخت و آن را نوعی تکلف و تحمیل دیدگاه‌های متزلزل و متغیر علوم بر کلام الهی شمرد.^(۱۸)

محمدحسین الذهبی از استادان معروف الازهر، صاحب کتاب پرآوازه التفسیر و المفسرون نیز پس از بیان روش تفسیری طنطاوی و نمونه‌هایی از تفسیر وی می‌گوید: «این کتاب همانطور که می‌بینید دایرةالمعارفی علمی است که در تبیین علمی از علوم سهم بسزایی دارد اما از حیث تفسیر باید آن را مانند تفسیر امام فخر رازی توصیف کرد که درباره‌اش گفته‌اند «در آن همه چیز هست بجز تفسیر» ولی تفسیر الجواهر به این توصیف سزاوارتر است از تفسیر امام فخر».^(۱۹)

جالب است بدانیم که در خارج از مصر در کشوری چون عربستان، دولت این کتاب را مصادره، و از ورود آن به داخل مملکت جلوگیری می‌کند و طنطاوی خود این واقعه را در اواخر الجواهر گزارش کرده است.^(۲۰)

روش تفسیری طنطاوی در کتاب الجواهر

برای به دست آوردن روش تفسیری طنطاوی، ضرورتی ندارد که تمام آن را مطالعه کرد بلکه با بررسی آنچه طنطاوی در تفسیر یکی از سوره‌های متوسط قرآن آورده است می‌توان به روش تفسیری او پی برد.

طنطاوی ابتدا تفسیری لفظی از آیات مطرح می‌کند. در تفسیر لفظی، با اینکه منطقی و طنطاوی و طرز فکر او و تأثیرپذیری وی از علم جدید کاملاً هویداست، فی الجمله سعی می‌کند آیه را با کلماتی روشنتر، توضیح دهد. اما این وضعیت زیاد طول نمی‌کشد و طنطاوی خیلی سریع از تفسیر لفظی و حتی بلاغی قرآن گذر می‌کند و با اندک مناسبی وارد یکی از شاخه‌های علوم جدید می‌شود و مطالبی را از زبان دانشمندان علم جدید زیر نام «لطیفه» یا «جوهر» مطرح می‌کند^(۲۱) تا بدین وسیله، مسلمین را به کتاب آسمانی خود مفتخر سازد و به غیر مسلمین بفهماند که آنچه را آنها امروز کشف یا اختراع کرده‌اند، قرآن کریم چهارده قرن پیش گوشزد کرده است.

طنطاوی تحت تأثیر تجربه‌گرایی مدرن، سعی می‌کند هنگام طرح دیدگاه‌های دانشمندان آنها را با تصاویری ملموس و قابل مشاهده، حس کند.^(۲۲)

نمونه‌هایی از تفسیر علمی طنطاوی

برای اینکه با روش تفسیر علمی طنطاوی به صورت عینی‌تری روبه‌رو شویم به نمونه‌هایی از تفسیر وی اشاره می‌شود. قبل از اشاره به این نمونه‌ها، باید گوشزد کرد که دغدغه طنطاوی از تفسیر علمی چیست و با این کار می‌خواهد به چه هدفی برسد.

با مطالعه الجواهر سه هدف اساسی برای طنطاوی می‌توان برشمرد:

- ۱- رفع عقب‌ماندگی از کشورهای اسلامی با توجه به اهمیت علم در قرآن
- ۲- رفع تعارض از قرآن و علم جدید به سبب نقشی که علم در زندگی بشر امروزی،

و سیطره‌ای که بر اذهان دارد، سبب می‌شود که هرگونه شائبه تعارض بین علم جدید و قرآن، جوانان را از قرآن دور کرده به سمت علم بکشاند و یا کسانی به انگیزه حفظ ایمان خویش از بهره‌های علم جدید محروم شوند.

۳- با تفسیر علمی بهتر می‌توان قرآن را فهمید و آنگاه رمز اعجاز قرآن بهتر گشوده خواهد شد؛ زیرا قرآن تنها کتاب آسمانی است که با دستاوردهای علم جدید سازگاری بیشتری دارد.

اهمیت پرداختن به علم طبیعت در تفسیر الجواهر

از مهمترین دغدغه‌هایی که طنطاوی را به تفسیر علمی کشانده، انحطاط و عقب‌ماندگی علمی مسلمین است. او تعجب می‌کند که چگونه ممکن است مسلمین به عنوان پیروان قرآن از لحاظ علمی و مطالعه در طبیعت و تحقیق در آن عقب‌مانده باشند، در حالی که در بیش از ۷۵۰ آیه، آنها را به تأمل و مطالعه در طبیعت تشویق و امر کرده است.

طنطاوی از آیه شریفه «انظروا ماذا فی السموات و الارض»^(۲۳) استنباط می‌کند که تحصیل علوم طبیعی و نظر کردن در طبیعت بر هر مسلمانی واجب است. زیرا انظروا فعل امر است و فعل امر دلالت بر وجوب دارد.^(۲۴)

گالیه هنگامی که با اندیشه‌های مخالف اهل دیانت روبه‌رو شد، گفت طبیعت هم کتاب خداست، اما کتابی که به قلم تکوینی الهی نوشته شده است، همچنانکه کتاب مقدس، کتاب تدوین الهی است. طنطاوی نیز دیدگاهی شبیه به او دارد. از اینرو وی بر این باور است همانطور که مسلمین به مطالعه و فهم قرآن موظف هستند، لازمه مسلمانی و ایمان آنها به قرآن، مطالعه کتاب طبیعت نیز هست^(۲۵) و علم مطالعه کتاب طبیعت است. حتی طنطاوی از این فراتر می‌رود؛ زیرا معتقد است مطالعه کتاب طبیعت از نظر قرآن،

نسبت به سایر علوم دینی از اهمیت بیشتری برخوردار است. زیرا قرآن درباره طبیعت، خود سخن گفته است بدون اینکه از پیامبر چیزی در این باره سوال شود. در حالی که بیشتر آیات فقهی قرآن در پاسخ به پرسشهایی است که مردم از پیامبر می‌پرسیدند و تقاضای پاسخ می‌نمودند. (۲۶)

از نظر طنطاوی الهیات علمی یعنی خداشناسی و علم توحید و معادشناسی علمی، که در اثر تأمل و نظر در طبیعت به دست می‌آید از الهیات فلسفی متقن‌تر است؛ بعلاوه از آن برتر است، زیرا الهیات فلسفی بر دانشهای فلسفی یونان مبتنی است که مسلمین را از روشهای تجربی و مطالعه در طبیعت باز داشته و در نتیجه عقب‌ماندگی آنها از کاروان علم را سبب شده است. (۲۷)

از نظر طنطاوی، اسلام از حیث دعوت به علم و کسب معرفت، نسبت به ادیان دیگر از امتیاز بیشتری برخوردار است. مسلمین با نپرداختن به علوم طبیعی جدید در واقع دین را ضایع کرده‌اند. جهل و نادانی که مسلمانها با آن دست به گریبان هستند، ناشی از ضعف ایمان آنها به قرآن است؛ با وجود اینکه در ۷۵۰ آیه به مطالعه جهان طبیعت مأمور یا تشویق شده‌اند، تنبلی پیشه کرده، منتظرند دیگران بیابند و به جای آنها طبیعت را بشناسند؛ گویی قرآن، کتاب مسلمانها نیست و آنها را به این امر مهم دعوت نکرده است. (۲۸)

طنطاوی به مناسبت تفسیر آیه شریفه «و هو الذی سخر البحر لتأکلوا منه لحماً طریاً و تستخرجوا منه حلیةً تلبسونها و تری الفلک مواخر فیه»^(۲۹) از اینکه نعمتهای دریایی در سواحل کشورهای اسلامی است ولی بلاد فرنگ آنها را به یغما می‌برند بسیار ناراحت می‌شود و می‌گوید: آیا نمی‌بینی فرانسه، مزارع مرجان را در تونس و الجزایر می‌چیند و می‌برد و می‌فروشد و مسلمانها خوابند و حتی اصلاً نمی‌دانند که خواب هستند... خداوند به آنها می‌گوید: «و تستخرجوا منه حلیة تلبسونها» ولی آنها می‌گویند، ما

استخراج نمی‌کنیم و از کسانی که استخراج کردند می‌خریم. گویی مسلمانها مخاطب این آیه نیستند، لذا آنچه را قرآن بر آنها مباح و بلکه واجب کرده بر خود حرام کرده‌اند.»^(۳۰)

طنطاوی امیدوار است که با تفسیر علمی خود بتواند در مسلمین حرکتی علمی ایجاد کند تا شاید به خود آیند و آنچه را قرآن از آنها خواسته است از دیگران نخواهند. از اینرو دست به دعا برمی‌دارد و می‌گوید:

«پرورگار کتاب مرا روشنایی و چراغی قرار ده که پاکان و پرهیزکاران در پرتو آن، راه خویش بیابند همانا که تو دانایی توانا هستی»^(۳۱)

بنابراین از نظر طنطاوی مسلمانها تنها از طریق علوم جدید می‌توانند عظمت و افتخار گذشته خویش را احیا کنند و این امر تنها با بازگشت دوباره به قرآن کریم و الهام از آن میسر است. با الهام از قرآن باید در آیاتی که از شگفتی‌های طبیعت و اسرار آن سخن می‌گوید، تأمل بیشتری صورت گیرد. تفسیر الجواهر گامی استوار در راستای تحقق این مهم است که توسط طنطاوی برداشته شده است.

استفاده از علوم تجربی در فهم آیات الهی یکی از اهداف اساسی طنطاوی و بلکه می‌توان گفت از پیش‌فرضهای مهم وی این است که با قرآن علوم جدید را بهتر می‌توان فهمید. قرآن مانند دریایی پهناور است که هر کس توانایی بیشتر و امکانات پیشرفته‌تری داشته باشد بیشتر می‌تواند در آن غواصی کند و از ذخایر گرانبهای مخفی در آن بهره‌برگیرد. علم جدید به انسان دانایی و در نتیجه توانایی می‌دهد. لذا انسان بهره‌مند از آموزه‌های علم جدید بهتر می‌تواند از دریای معارف قرآن استفاده کند. از اینرو هنگامی که می‌خواهد آیاتی را که از طبیعت سخن می‌گوید تفسیر، و مراد آن را آشکار کند به علم جدید متوسل می‌شود. اما هنگام تفسیر،

عنان از کف می‌دهد و فراموش می‌کند که در صدد فهم آیات بوده است و صفحات زیادی از تفسیرش را با طرح دیدگاه‌های دانشمندان و اختراعات و اکتشافات آنها پر می‌کند، بطوری که اگر کسی آن صفحات تفسیر وی را جداگانه مورد مطالعه و بررسی قرار دهد، نمی‌تواند تشخیص دهد که طنطوای این مباحث را به دلیل تفسیر آیه‌ای از آیات قرآن طرح کرده و همین امر است که بعضی از مفسران را نسبت به تفسیر الجواهر بدبین می‌سازد^(۳۲) در حالی که باید همدلانه با طنطوای سخن گفت. در آن صورت با او همصدا خواهیم گفت اگر قرآن به بعضی از یافته‌های علم جدید چهارده قرن پیش اشاره کرده است چرا مسلمین ۱۴ قرن از دیگران جلوتر نیستند که هیچ، چند قرن از کسانی که به قرآن اعتقاد ندارند در پیشرفتهای علمی عقب‌ترند. اگر به تفسیر الجواهر ذیل آیات زیر نگاه کنیم این نکته اثبات خواهد شد.

آنچه در علم جدید درباره عجایب و شگفتیهای زمین و گیاهان و انواع درختها و سودمندی آنها سخن گفته شده در الجواهر در تفسیر آیه شریفه «والارض مددناها و القینا فیها رواسی و انبتنا فیها من کل زوج بهیج»^(۳۳) آمده است.^(۳۴)

آنچه در علم جدید درباره ساختمان گیاهان و گل و برگ و ساقه و شاخه و ریشه آنها آمده است می‌توان در تفسیر الجواهر هنگام بحث از آیه «وانزلنا من المعصرات ماءً ثجاجاً لنخرج به حباً و نباتاً و جناتٍ الفافاً»^(۳۵) یافت.^(۳۶)

اگر می‌خواهید ببینید علم جدید درباره نحوه زندگی عنکبوت و چگونگی تاربافی آن و بطور کلی فایده این حیوان چه گفته، کافی است به تفسیر الجواهر در سوره عنکبوت مراجعه کنید.^(۳۷)

طنطوای در پرداختن به مباحث علمی از تکرار ابایی ندارد؛ همانطور که در قرآن بعضاً مطالبی چندین بار تکرار شده است. برخلاف بسیاری از مفسران که اگر مطلبی علمی را ذیل یک آیه بحث کنند ذیل آیه دیگری که به همان معنا می‌پردازند به جای

اول ارجاع می‌دهند و از تکرار پرهیز می‌کنند، طنطاوی، دوباره آنچه را قبلاً در تفسیر آیه گفته است، تکرار می‌کند. از این رو اگر کسی در صدد برآید که تفسیر الجواهر را خلاصه کند به گونه‌ای که به دیدگاه‌های تفسیری طنطاوی لطمه‌ای وارد نشود، شاید تعداد قابل توجهی از مجلدات تفسیر او حذف شود. این اطناب مملّ تنها در پرتو آن دغدغه طنطاوی قابل توجیه است که تفسیرش نقش هدایتگری دارد و می‌خواهد زمینه را برای پیشرفت فراهم سازد. از این رو تذکر و تکرار را به عمد انجام می‌دهد؛ به عنوان مثال، طنطاوی هنگامی که به مناسبت آیه شریفه «اللّٰه الذی جعل لکم الانعام لتركبوا فیها و منها تاكولون و لکم فیها منافع»^(۳۸) در باره جانوران سخن می‌گوید، از او سؤال می‌شود آیا آنچه تاکنون درباره جانوران گفتی کافی نیست، دیگر چه می‌خواهی بگویی؟ طنطاوی دوباره اشاره به آنچه در سوره‌های نمل و نور و سبا و طه و نحل و مؤمنون و فاطر و سجده گفته است، می‌گوید: هنوز درباره انواع خزندگان مانند مار و کرم و مارمولک سخن نگفته‌ام و آنگاه شروع می‌کند به دادن اطلاعاتی از علوم جدید درباره این جانوران.^(۳۹)

طنطاوی به مناسبت آیه ۸ سوره نحل «...والخیل و البغال و الحمیر لتركبوا و زینة و یخلق ما لا تعلمون» بحثهای مفصلی در باره اختراعات جدید مانند انواع وسایل نقلیه هوایی و دریایی و زمینی مطرح می‌کند و آنگاه به بحث از اختراع برق و تلگراف و تلفن و بی‌سیم و مخترعان آنها پرداخته، مطالب خود را در ضمن تصاویری توضیح می‌دهد.^(۴۰)

تفسیر علمی و کشف اعجاز قرآن

طنطاوی در تفسیر آیه شریفه «یوم تشهد علیهم الستمهم و ایدیههم و ارجلهم بما کانوا یعملون»^(۴۱) می‌گوید: «آیا این استدلال به رد پا و اثر انگشت نیست که امروزه براساس

آن مجرمین را شناسایی می‌کنند؟ این صریح قرآن است... و این مطلب را قرآن بیان کرده است تا ما را به اسرار دست و پا آگاه نماید تا بتوانیم از این طریق قاتلان و مجرمان را شناسایی نماییم.... و این از معجزات و شگفتی‌های آن است که مسأله‌ای را که هزار سال بعد ثابت شده است به صراحت بیان می‌کند.» (۴۲)

بطور کلی طنطاوی یکی از راه‌های کشف اعجاز قرآن را استفاده از علوم جدید می‌داند. از نظر طنطاوی اگر به علوم جدید آگاه نباشیم هنگام رویارویی با قرآن نمی‌دانیم آنچه علم امروز به آن رسیده، قرآن چهارده قرن پیش، بیان کرده است و لذا این جنبه اعجاز قرآن بر ما و امت اسلام و حتی مخالفان مکشوف نخواهد شد. طنطاوی در ذیل آیه شریفه «وانبتنا فیها من کل شیء موزون» (۴۳) علاوه بر اینکه ضمن بحث مفصلی از توازن در آفرینش گیاهان سخن می‌گوید، اشاره می‌کند که این آیه از معجزات قرآن است که در پرتو علم جدید مکشوف شده است. از اینرو تنها معجزات قرآن است که با کشفیات علم جدید می‌توان به آنها پی برد و این امتیاز قرآن بر سایر کتابهای آسمانی است. (۴۴)

تفسیر علمی و رفع تعارض بین قرآن و علم جدید

یکی از اهداف طنطاوی از تفسیر علمی، رفع تعارض بین علم جدید و قرآن کریم است. طنطاوی به عنوان کسی که به قرآن ایمان دارد و از طرف دیگر شیفته علم جدید است، نمی‌تواند تعارض بین آنها را برتابد و شائبه تعارض علم و دین را برای مسلمین شایسته نمی‌داند، زیرا نتیجه‌اش را بی‌بهرگی از هر دو می‌داند. او خود می‌گوید: «تطبیق برای این است که مؤمنان با دانش انس بگیرند و از آن به علت مخالفت الفاظش با قرآن نگریزند، چه بسیار مسلمانان با ذکاوت که علوم را می‌خوانند و به دین کافر می‌شوند. چون می‌پندارند به علمی نائل آمده‌اند که انبیا به آن نادان بوده‌اند و چه بسیار مسلمانان

مغبونی که به این مباحث آگاه می‌گردند و از آن می‌گیرند چون آن را منافی با دین می‌پندارند. (۴۵)

طنطاوی یک قاعده و فرمول کلی برای رفع تعارض بین علم و قرآن ندارد؛ آن گونه که مثلاً گالبله «با این قاعده که متن مقدس و علم هر دو از یک مؤلف سرچشمه می‌گیرند، یکی کتاب تدوین است و دیگری کتاب تکوین و مؤلف هر دو خدای سبحان است و نمی‌شود محتوای یکی از کتبش با دیگری در تعارض باشد» (۴۶) برای رفع تعارض عمل می‌کند. اما طنطاوی تعارضها را موردی حل می‌کند؛ بدین معناکه برای هر موردی از راهی وارد می‌شود؛ به عنوان مثال، طنطاوی در تفسیر آیاتی که از هفت آسمان سخن می‌گویند، برای اینکه تعارض این آیه را با علم جدید که به تعداد بیشماری جرم آسمانی معتقد است، برطرف کند، دو نظریه را مطرح می‌کند: ۱ - عدد هفت در آیات مورد بحث کنایه است از «تعداد زیاد» نه اینکه واقعاً منظور از عدد هفت، اشاره به تعداد آسمانها و کرات آسمانی باشد. (۴۷) ۲ - قرآن در این قبیل آیات براساس فهم و فرهنگ زمان نزول وحی سخن گفته و هدف قرآن بیان قدرت الهی و فاعلیت خداوند است و تعداد فعل او در اینجا اهمیت نداشته است بلکه انتساب آنها به خداوند مهم بوده که قرآن براساس فرهنگ و زبان آنها و متناسب با سطح فهم آنها این مطلب را به آنها القا کرده است؛ یعنی آسمانها، چه هفت تا چه هزار تا، همه مخلوق خداوند هستند و بر قدرت و کمال او دلالت دارند. حتی می‌توان گفت از آیه و یخلق ما لا تعلمون برمی‌آید که قرآن نمی‌خواهد تعداد آسمانها را معین کند بلکه به تعدادی که در حد علم آن زمان بوده اشاره شده و بقیه را به عهده خود مردم وا گذاشته است. بنابراین از نظر طنطاوی ظاهر این آیات اشاره به امر واقعی ندارد و حکایت از واقعیت نمی‌کند. بلکه قرآن به منظور القای معنایی متعالی با قوم همراهی کرده است. (۴۸)

طنطاوی در مسأله خلقت انسان نیز وقتی ظاهر آیات قرآن را با دیدگاه‌های جدید در

باب تکامل زیستی انسان در تعارض می‌بیند، برای رفع آن می‌گوید: «هدف اصلی کتابهای آسمانی از طرح آیات خلقت، شناسایی پدران ما نبوده بلکه نتایج کلامی این مسأله هدف بوده است نه اینکه قرآن یا کتابهای مقدس دیگر بخواهند نظریه‌ای در باره پیدایش انسان طرح کنند.» (۴۹)

طنطاوی در مسأله استراق سمع شیاطین یا مسأله رجم شیاطین توسط شهابهای آسمانی آیه مربوط در سوره صافات آیه ۱۰ را کنایی می‌داند؛ هر چند اشاره می‌کند که براساس ظاهر آیه شیاطین استراق سمع می‌کردند و با شهابها سوزانده شدند. (۵۰)

اگر در این سه نمونه‌ای که راه‌حلهای طنطاوی را نشان می‌دهد دقت کنیم، نوعی ناسازگاری و عدم انسجام در تفسیر طنطاوی مشاهده خواهیم کرد. زیرا طنطاوی حتی از آیاتی که در ظاهر هیچ پیام علمی تجربی ندارد، نتیجه‌ای در باره علوم طبیعی اخذ می‌کند و سعی می‌کند آن را بر یک معنای علمی حمل کند بلکه اساساً نزول قرآن را برای علم می‌داند؛ (۵۱) مثلاً از آیات ۶۶ تا ۷۲ سوره بقره علم احضار ارواح را استنباط می‌کند (۵۲) یا از داستان حضرت ابراهیم و چهار پرنده بحثی مستوفی در باره اتحاد و ترکیب و تحلیل از مباحث علم شیمی را درمی‌آورد و از داستان عزیز و الاغش، علم تشریح را استنباط می‌کند. (۵۳) اما در اینجا سعی می‌کند بگوید این آیات غرض علمی ندارد بلکه حامل پیامی اخلاقی یا کلامی است.

نتیجه‌گیری

در پایان باید گفت استنباطهای بسیار غریب و شاذّ طنطاوی از آیات قرآن را باید بر این معنا حمل کرد که او از پوزیتیویسم و علم‌گرایی عصر جدید کاملاً متأثر است. به نظر می‌رسد طنطاوی در این تفسیر می‌خواهد حرفهای خود را مطرح کند و تفسیر قرآن را بهانه قرار داده است. زیرا روش او به گونه‌ای است که گویی کشف معنای آیات و مراد

خداوند از آیات مطرح نیست، بلکه مهم این است که گرایش به سمت علم جدید و اهتمام به آن از آیات قرآن بیرون آید. طنطاوی اصلاً به پیامدهای انحصارگرایی در روشهای علم تجربی یعنی پوزیتیویسم توجه ندارد. او توجه ندارد چنین تفسیری از آیات، روح کلی حاکم بر آیات قرآن را که نگاه معنوی به جهان است از بین می‌برد و نوعی کمیت‌گرایی و ماتریالیسم را به نام تفسیر قرآن ترویج می‌کند. درست است که لازمه ایمان به قرآن، رفتن به سمت علم و دانش و شناخت طبیعت و مظاهر اسماء و صفات الهی است، اما نباید قرآن را یک دایرةالمعارف علوم جدید فرض کرد. قرآن کتاب هدایت انسان است. اگر انسان مورد نظر قرآن ساخته شود این علوم را در راستای اهداف صحیح و انسانی به کار خواهد گرفت، پیشرفت صرف در علوم تجربی هر چند رفاه مادی را ممکن است تضمین کند اما لزوماً سعادت نمی‌آورد؛ چنانکه شاهد افول انسانیت و ارزشهای انسانی و اخلاقی در مغرب زمین هستیم که ابزارهای ساخت علم جدید را علیه انسانها و اخلاق انسانی به کار می‌گیرد. بنابراین تفسیر صرفاً مادی و تجربی قرآن معلوم نیست دغدغه‌های متعالی طنطاوی را برطرف، و مسلمین را به شاهراه خوشبختی هدایت کند.

یادداشتها

- ۱ - الایازی، السید محمدعلی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، ص ۹۳، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ ۱، ۱۳۷۳
- ۲ - الذهبی، محمدحسین، التفسیر و المفسرون: بیروت، شركة دارالارقم، ج ۲، ص ۲۷۲، در بعضی چاپها ص ۴۲۶، به نقل از رسائل ابن سینا، ص ۱۲۴ - ۱۲۵ فصل مربوط به روش تفسیر ابن سینا
- ۳ - السیوطی، جلال الدین عبدالرحمن ابی‌بکر، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۳۵، و ایضاً الغزالی، ابوحامد، جواهر القرآن، دمشق، بیروت، المركز العربی للکتاب، بی‌تا
- ۴ - المعرفة، الشیخ محمدهادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، ج ۲، ص ۴۴۶، من منشورات الجامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه، ط ۱، سنة ۱۳۷۷ هـ ش
- ۵ - خرمشاهی، بهاء‌الدین، تفسیر و تفاسیر جدید، ص ۱۰۵، سازمان انتشارات کیهان، چ اول، ۱۳۶۴
- ۶ - المعرفة، الشیخ محمدهادی، پیشین، ص ۴۴۶
- ۷ - خرمشاهی، بهاء‌الدین، دانشنامه قرآن، ج ۱، ص ۶۹۳، تهران انتشارات دوستان ناهید، چ دوم، ۱۳۸۱
- ۸ - الذهبی، محمدحسین، پیشین، ج ۲، ص ۳۵۲

۹- همان، ص ۳۵۲

۱۰- خرمشاهی، بهاء‌الدین، دانشنامه قرآن، پیشین، ص ۶۹۳

۱۱- خرمشاهی، بهاء‌الدین، تفسیر و تفاسیر جدید، پیشین، ص ۱۰۹

۱۲- الطنطاوی، الجواهر، ج ۳، ص ۱۹، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۲

۱۳- الطنطاوی، همان، ج ۲۵، ص ۵۳

۱۴- الرفاعی، مصطفی صادق، اعجاز القرآن و البلاغه النبویه، ترجمه عبدالحسین ابن‌الدین، چاپ بنیاد قرآن،

۱۳۶۱، ص ۱۰۸

۱۵- نوفل، عبدالرزاق، القرآن و العلم الحديث، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۹۳، ص ۲۶

۱۶- الشهرستانی، سید هبة‌الدین، الاسلام و الهيئة، ترجمه سید هادی خسروشاهی، شرکت سهامی انتشار،

ص ۱۱۰

۱۷- بازرگان، مهدی، مجموعه آثار، ج ۱، مباحث بنیادین، راه طی شده، ص ۲۰۵ تا ۲۱۰، تهران، قلم، ۱۳۷۷

۱۸- ابو حجر احمد عمر، التفسیر العلمی فی المیزان، ص ۲۹۹، ج بیروت دارالقتبه، ۱۴۱۱ق

۱۹- الذهبی، محمدحسین، پیشین، ج ۲، ص ۳۶۰

۲۰- الطنطاوی، پیشین، ج ۲۵، ص ۲۳۸

۲۱- الذهبی، محمدحسین، پیشین، ج ۲، ص ۳۵۵

۲۲- به عنوان مثال به تفسیر آیه ۸ سوره نحل نگاه کنید: به اختراعات جدید در زمینه وسایل نقلیه پرداخته یا در

همین سوره تصاویری از مرجانها و حیوانات دریایی و همچنین چگونگی اختراع باتری را با تصویر توضیح داده

است. الجواهر، ج ۸، ص ۷۲ به بعد

۲۳- قرآن کریم، یونس، ۱۰۱

۲۴- الطنطاوی، پیشین، ج ۱، ص ۸

۲۵- همان، ج ۲، ص ۸۲

۲۶- همان، ج ۱، ص ۷

۲۷- همان، ج ۲، ص ۸۹

۲۸- همان، ج ۸، ص ۷۰ تا ۸۰

۲۹- قرآن کریم، نحل، ۱۴

۳۰- الطنطاوی، پیشین، ج ۸، ص ۷۲

۳۱- همان، ص ۷۵

۳۲- الذهبی، محمدحسین، پیشین، ج ۲، ص ۳۵۴

۳۳- قرآن کریم، ق، ۷

۳۴- الطنطاوی، پیشین، ج ۲۳، ص ۱۳ تا ۱۹

۳۵- قرآن کریم، نباء، ۱۴ تا ۱۶

۳۶- الطنطاوی، پیشین، ج ۲۵، ص ۱۶ تا ۳۰

۳۷- همان، ج ۱۴، ص ۱۴۴ تا ۱۴۹

۳۸- قرآن کریم، مؤمن، ۷۹

۳۹- الطنطاوی، پیشین، ج ۱۹، ص ۳۰

۴۰- همان، ج ۸، ص ۹۰ به بعد

- ۴۱- قرآن کریم، نور، ۲۴
 ۴۲- الذهبی، محمد حسین، پیشین، ج ۲، ص ۳۵۷ به نقل از الجواهر، ج ۳، ص ۹
 ۴۳- قرآن کریم، حجر، ۱۹
 ۴۴- الطنطاوی، پیشین، ج ۸، ص ۱۶ تا ۳۰ و ج ۱، ص ۴۹ و ج ۱۰، ص ۱۹۹
 ۴۵- همان، ج ۱، ص ۵۰
 ۴۶- باربور، ایان، علم و دین، ترجمه خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲، ص ۱۴۰
 ۴۷- الطنطاوی، پیشین، ج ۱، ص ۳۰
 ۴۸- همان، ج ۱، ص ۵۱ و ج ۴، ص ۶۲
 ۴۹- همان، ج ۳، ص ۶
 ۵۰- همان، ج ۱۸، ص ۱۰
 ۵۱- نفیسی، شادی، عقل‌گرایی در تفاسیر قرن چهاردهم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹، ص ۲۹۰
 ۵۲- الطنطاوی، پیشین، ج ۱، ص ۸۸
 ۵۳- همان، ج ۱، ص ۲۴۰ تا ۲۴۴

منابع

- ۱- الایازی، السید محمد علی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳
 ۲- الذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، بیروت، شركة دارالارقم، بی تا
 ۳- السیوطی، جلال الدین عبدالرحمن ابی بکر، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا
 ۴- الغزالی، ابو حامد، جواهر القرآن، دمشق، بیروت، المركز العربی للکتاب، بی تا
 ۵- المعرفة، الشیخ محمد الهادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، الجامعه الرضويه للعلوم الاسلاميه، ط ۱، ۱۳۷۷
 ۶- خرمشاهی، بهاء‌الدین، تفسیر و تفاسیر جدید، سازمان انتشارات کیهان، چاپ اول، ۱۳۶۴
 ۷- -----، دانشنامه قرآن، تهران، انتشارات دوستان ناهید، چاپ دوم، ۱۳۸۱
 ۸- الطنطاوی، الجواهر فی تفسیر القرآن کریم، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۲
 ۹- الرافعی، مصطفی صادق، اعجاز القرآن و البلاغه النبویه، ترجمه عبدالحسین ابن الدین، بنیاد قرآن، ۱۳۶۱
 ۱۰- نوفل، عبدالرزاق، القرآن و العلم الحديث، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۹۳
 ۱۱- الشهرستانی، سید هبة‌الدین، اسلام و هیأت، ترجمه سید هادی خسروشاهی، شرکت سهامی انتشار
 ۱۲- بازرگان، مهدی، مجموعه آثار، ج ۱، راه طی شده، تهران، قلم، ۱۳۷۷
 ۱۳- ابو حجر، احمد عمر، التفسیر العلمی فی المیزان، بیروت، دارالفتیبه، ۱۴۱۱
 ۱۴- باربور، ایان، علم و دین، ترجمه خرمشاهی، تهران مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲
 ۱۵- نفیسی، شادی، عقل‌گرایی در تفاسیر قرن چهاردهم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹





شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی